



# سرد اصول

زاهدویسی

## اصول کافی

کتاب اصول کافی، یکی از آثار شیخ کُلینی است که از بسیاری وجوه، نه تنها در میان معتقدان به مفاد و محتوای آن، بلکه از دیدگاه سایر افراد و گروه‌ها، به‌ویژه پژوهشگران امور مرتبط با حدیث، و حتی منتقدان آن، جایگاه خاص و منحصری دارد. از این رو طبیعی است که در طول تاریخ خود به‌صورت و انحصاری گوناگون مورد بحث و بررسی قرار گرفته باشد. نسخه خطی، شرح، حاشیه، تلخیص، نقد، رد، چاپ، گزیده و ... بخشی از مراحل است که این کتاب در تاریخ خود آنها را پشت سر گذاشته است. در این نوشتار کوشش می‌شود در حد امکان، به برخی از وجوه مربوط به معرفی آن، پرداخته شود. البته واضح است که آنچه در این‌جا بیان می‌شود، تنها بخشی از کارهایی است که در تاریخ در باره این کتاب صورت گرفته است و اگر قرار بود همه خدماتی را ذکر کنیم که از زمان تألیف این کتاب به آن شده است، داستان بسی طولانی‌تر از این مقدار



# گزارشی از شناسنامه و گذشت کافی

می‌شد. در بخش‌هایی هم که به اختصار به آنها پرداخته شده است، صرفاً به ذکر فهرست‌وار و اجمالی مطالب اکتفا شده است؛ زیرا قصد اصلی جمع‌آوری دسته‌ای قابل توجه از آثار مرتبط با اصول کافی در یک جا بود و به این صورت فهرستی از منابع و مراجع در اختیار خواننده و پژوهشگر قرار گیرد تا در صورت نیاز به اطلاع بیشتر در باره چند و چون این کتاب، بتواند راحت‌تر آنها را بیابد. و اگر قصد نقد یا رد یا شرح و بیان بخشی از آن را نیز داشت، از گفته‌ها و نوشته‌های پیش‌کسوتان این وادی بی‌بهره نماند.

بدیهی است در چنین مواقعی نیاز است شرحی نسبتاً مبسوط از حیات نویسنده اثر مورد بحث ارائه شود تا خواننده بداند چه کسی این اثر را پدید آورده است و شخصی که اثر او این همه مؤثر بوده است، کیست. این درست است. با این حال چون در این جا مسئله رد و قبول این اثر در میان نیست، نیازی به شرح و بیان حیات و مفاات نویسنده آن نیز نمی‌یابیم.

### بخش‌ها و فصل‌های کافی

در این کتاب، هر بخش تحت عنوان «کتاب» نام‌گذاری شده است. به این ترتیب اصول کافی دارای سی و پنج کتاب است. به این شرح:

۱. کتاب العقل و الجهل
۲. کتاب فضل العلم
۳. کتاب التوحيد
۴. کتاب الحجّة
۵. کتاب الايمان و الكفر
۶. الدعاء
۷. کتاب فضل القرآن
۸. کتاب العشرة
۹. کتاب الطهارة
۱۰. کتاب الحيض
۱۱. کتاب الجنائز
۱۲. کتاب الصلاة
۱۳. کتاب الزكاة
۱۴. کتاب الصيام
۱۵. کتاب الحج
۱۶. کتاب الجهاد
۱۷. کتاب المعيشة
۱۸. کتاب النكاح
۱۹. کتاب العقيقة
۲۰. کتاب الطلاق
۲۱. کتاب العتق
۲۲. کتاب الصيد
۲۳. کتاب الذبائح
۲۴. کتاب الاطعمة
۲۵. کتاب الاشرية
۲۶. کتاب الزی و التجمل
۲۷. کتاب الدواجن
۲۸. کتاب الوصايا
۲۹. کتاب المواريث
۳۰. کتاب الحدود
۳۱. کتاب الآيات
۳۲. کتاب القضاء و الاحكام
۳۳. کتاب الايمان و الذور و الكفارات
۳۴. کتاب الروضة

### نسخه‌های خطی کافی

طبیعی است کتابی در حد و اندازه اصول کافی، به‌زودی در نقاط مختلف جهان انتشار یابد؛ به‌ویژه آن‌که پس از تألیف، مورد حمایت بسیاری از علمای سرشناس شیعی قرار گرفت. به همین خاطر، عده زیادی از علما و طالبان علم، یا سایر نساخ و کُتاب به استنساخ آن رو آوردند. از این رو، نمونه‌هایی از آن به صورت کامل یا ناقص در کتابخانه‌های مهم دنیا یافت می‌شود. در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. آصفیه ۱: ۶۵۶ با شماره ۴۱۶، ۵۹۷
۲. اسکندریه با شماره ۱۰ فرق
۳. برلین با شماره ۱۸۸۵
۴. پاتنا با شماره ۱: ۷۵ شماره ۵۷۰ - ۵۷۴
۵. پرنتون با شماره ۲۹۵
۶. پیشاور با شماره ۲۹۶
۷. علیگره ۹۹ با شماره ۲۹، ۱۰۰ شماره ۳۵، ۳۸
۸. قاهره ۷: ۹۰۵ (این نسخه کامل نیست).
۹. کمبریج اول با شماره ۸۷۸ - ۸۷۹
۱۰. گارت با شماره ۱۶۰۸ - ۱۶۰۹
۱۱. مشهد ۴: ۴۶۱ شماره ۱۹۴ - ۲۱۳
۱۲. منچستر با شماره ۹۳، ۸۰۱
۱۳. موزه بریتانیا دوم با شماره ۱۵۲ - ۱۵۳
۱۴. هایدلبرگ، پاریس اول با شماره ۶۶۵۶

مرحوم آغابزرگ نیز در الذریعه در باره نسخه‌های خطی کتاب کافی نوشته است: «نسخه‌ای بسیار نفیس که از لحاظ خط، کاغذ، تذهیب، و تجلید، ممتاز است. این نسخه شش جلدی است از ابتدای اصول تا آخر روضه. تاریخ فراغت از آن نیز سال ۱۰۶۲ هجری است. هر شش جلد نیز از موقوفات حاج ابراهیم خان در سال ۱۰۹۵ هجری به گنجینه رضوی [مشهد] است.

نسخه کامل نفیس دیگری نیز وجود دارد در یک جلد بزرگ است. همه آن به قلم شیخ عبدالله بن حسن علی، شیخ زقه از توابع ثون است. او همه این کتاب را در مشهد الرضا نوشته است. نگارش کتاب اصول را در ۲۳ صفر سال ۱۰۵۶ هجری شروع کرده و در اواخر ربیع



الآخر سال ۱۰۵۷ هجری از نگارش کتاب الروضة فارغ شده است.

بعدها این نسخه در مشهد به دست سید میر مرتضی بن سید مصطفی التبریزی رسید. او هم در حد امکان و توان آن را تصحیح نمود و با نسخه صحیح دیگر مقابله نمود. در حاشیه «کتاب الحج» نوشته است که در دهه دوم رجب از تصحیح نسخه فراغت یافته است.

مدتها بعد در سال ۱۳۷۴ هجری، این نسخه به دست حاج شیخ محمد جواد الواعظ العراقي الکرهودی رسید. او هم در سال ۱۳۷۵ هجری آن را به کتابخانه امیر المؤمنین اهدا نمود.<sup>۲</sup>

- النائینی، مشهور به میرزا رفیعا
۵. شرح شیخ خلیل بن غازی القزوینی با نام الشافی. خود شارح این کتاب را با عنوان الصافی فی اصول الکافی یاد می‌کند.
  ۶. شرح شیخ رفیع‌الدین محمد بن مؤمن الجیلانی. این شرح از ابتدای کتاب تا آخر کتاب الجهاد و بخشی از کتاب المعیشتة را در بر دارد.
  ۷. شرح شیخ عباس بن المولی حاجی الطهرانی، همراه با ترجمه فارسی.
  ۸. شرح شیخ علی بن محمد بن الحسن بن زین‌الدین الشهید العاملی، با نام الدر المنظوم فی کلام المعصوم.
  ۹. شرح شیخ محمد بن الشیخ عبد علی آل الجبار البحرانی القطیفی.
  ۱۰. شرح شیخ محمد علی بن محمد البلاغی النجفی
  ۱۱. شرح شیخ یعقوب بن ابراهیم بن جمال البختری الحویزی.
  ۱۲. شرح علامه مجلسی با نام مرآة العقول.
  ۱۳. شرح محمد امین بن محمد شریف الاخباری الاسترآبادی
  ۱۴. شرح محمد بن عبد علی بن محمد بن علی بن عبد الجبار القطیفی، با عنوان هدی العقول فی شرح احادیث الاصول.
  ۱۵. شرح محمد صالح بن احمد المازندرانی .
  ۱۶. شرح محمد علی الموسوی با عنوان الروضة علی فروع الکافی.
  ۱۷. شرح مولی حسین السجاسی الزنجانی.
  ۱۸. شرح مولی محمد زمان التبریزی.
  ۱۹. شرح مولی یحیی محمد حسین بن یحیی النوری.

#### شروح کافی

پس از انتشار کتاب، بسیاری از نکات و نقاط موجود و مندرج در آن، نیازمند شرح و بیان بود؛ خواه این شرح و بیان در راستای تأیید رهیافت مؤلف باشد، خواه به عنوان روشن‌گری در باره برخی نکات ضروری. به‌ویژه آن‌که پس از توجه علما به دسته‌بندی‌های حدیثی نظیر صحیح، حسن، مقبول، موضوع، و ...، این گونه شرح‌ها از حالت عادی به یک ضرورت و امر لازم تبدیل شدند. به همین خاطر عده‌ای از علما به شرح کتاب کافی پرداختند. البته هر یک از آنان بر اساس روش خاص خود این کار را انجام داد. علاوه بر این، برخی از آنان فقط به شرح بخشی از کتاب وی پرداختند. در ادامه برخی از این شروح را نیز فهرست‌وار نام می‌بریم:

۱. شرح اصول الکافی (عقل و جهل و علم توحید): اثر محمد بن ابراهیم بن یحیی الثسیرازی، ملقب به صدر الدین و صدر المتألهین.
۲. شرح امیر اسماعیل الخاتون آبادی
۳. شرح سید محمد شبر بن حسین بن محمد عابد الحسینی الجنفوری، همراه با ترجمه آن به زبان اردو.
۴. شرح سید میرزا رفیع‌الدین محمد بن حیدر الحسن



۵. حاشیه شیخ ابراهیم بن الفقیه الکاظمی الشیخ قاسم، مشهور به ابن الوندی.

۶. حاشیه شیخ زین الدین ابی الحسن علی بن الشیخ الحسن.

۷. حاشیه شیخ علی الصغیر بن شیخ زین الدین. این حاشیه مربوط به باب توحید اصول است.

۸. حاشیه شیخ علی الکبیر بن محمد بن الحسن بن زین الدین الشهید.

۹. حاشیه شیخ قاسم بن محمد بن جواد الکاظمی، مشهور به ابن الوندی.

۱۰. حاشیه شیخ محمد بن الحسن بن زین الدین الشهید، معروف به شیخ محمد السبط العاملی. این حاشیه فقط بخش اصول را در بر می گیرد.

۱۱. حاشیه شیخ محمد بن شیخ قاسم بن محمد جواد الکاظمی.

۱۲. حاشیه شیخ نظام الدین بن احمد الدشتکی.

۱۳. حاشیه علامه مجلسی شیخ محمد باقر بن محمد تقی.

۱۴. حاشیه محمد باقر بن محمد الحسینی الاسترآبادی، مشهور به میرداماد.

۱۵. حاشیه مولی ابن الحسن الشریف العاملی الغروی ابن الشیخ محمد طاهر بن عبدالحمید موسی بن علی بن محمد بن معتوق بن عبدالحمید الافتونی العاملی النباطی.

۱۶. حاشیه مولی احمد بن اسماعیل الجزائری.

۱۷. حاشیه مولی حیدر علی بن المیرزا محمد بن الحسن الشیروانی.

۱۸. حاشیه مولی محمد امین بن محمد شریف الاسترآبادی الاخباری.

۱۹. حاشیه مولی محمد حسین بن یحیی النوری. این حاشیه فقط شامل بخش اصول است.

#### نظرات درباره کافی

در باره کتابی مانند کافی، طبیعی است که نظرات و آرای متعددی اظهار و ابراز شود که البته شمال نظرات رد و انکار،

۲۰. شرح میرداماد موسوم به الرواشح السماویة.

۲۱. شرح میرزا محمد باقر بن محمد علی بن محمد مهدی الحسینی الرضوی القمی الهمدانی.

البته برخی شرح ها وجود دارند که فقط بخش خاصی از کتاب کافی را بررسی کرده اند. از جمله:

۱. شرح سید بهاء الدین محمد بن محمد باقر الحسینی المختاری النائینی، با عنوان حثیث الفلجة فی شرح حدیث الفرجة.

۲. شرح سید حسن الصدر، با عنوان هدایة النجدین و تفضیل الجندین فی شرح حدیث جنود العقل و جنود الجهل من الکافی.

#### حواشی

عده ای از علما نیز بدون شرح، فقط به ذکر برخی نقاط پرداختند و مواردی را درباره برخی وجوه مندرج در کتاب، گوشزد کردند و به زبان امروزی پاورقی هایی را به کتاب افزودند. این موارد که گاهی حالت منسجم و گاهی حالت پراکنده دارند، تحت عنوان حاشیه، طیف بزرگی از آثار را تشکیل می دهند. نمونه هایی از حواشی کافی به این شرح است:

۱. حاشیه امیر رفیع الدین محمد بن حیدر الحسینی الطباطبائی النائینی.

۲. حاشیه سید بدرالدین احمد الانصاری العاملی. این شرح فقط شامل بخش اصول است.

۳. حاشیه سید میر ابی طالب بن میرزا بیگ الفندرسکی.

۴. حاشیه سید نورالدین علی بن ابی الحسن علی بن الحسن بن ابی الحسن الموسوی العاملی. این حاشیه به صورت پراکنده اصول و فروع کافی را در بر می گیرد.

یا قبول و اثبات است. با این حال در این بخش دو نمونه از نظراتی را ذکر می‌کنیم که بیش از هر امری به وجه کتاب - شناختی کافی مربوط می‌شوند. آغا بزرگ نوشته است:

«کتاب کافی در حدیث از بزرگ‌ترین کتاب‌های چهارگانه مورد استناد است که در زمینه روایات منقول از خاندان پیامبر کتابی مانند آن نوشته نشده است. این کتاب اثر ثقة الاسلام محمد - بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی، خواهرزاده علان الکلینی است که در سال ۳۲۸ هجری در گذشته است. این کتاب مشتمل بر سی - و چهار کتاب و بیست و شش باب است. تعداد احادیث آن نیز شانزده هزار حدیث است که ۵۰۷۲ حدیث آن صحیح، ۱۴۴ حدیث حسن، ۱۷۸ حدیث موثوق، ۳۰۲ حدیث قوی، ۹۴۸۵ حدیث ضعیف است...»<sup>۲</sup>

بروکلمان در باره این کتاب گفته است:

«این کتاب همه عقاید و مذاهب امامیه را در بر می‌گیرد و یکی از کتاب‌های چهارگانه شیعه به حساب می‌آید. این کتاب شامل شانزده هزار است. متأخران به شمارش این احادیث و دسته‌بندی آنها بر اساس علوم درایت به صحیح، حسن، ضعیف، و ضعیف

پرداخته‌اند.»<sup>۴</sup>

در باره ترجمه، چاپ، و سایر موارد دیگری که در باره آثاری مثل کافی مهم و مفید هستند نیز مطالبی قابل ذکر است که امید می‌رود در نوشته‌ای دیگر امکان پرداختن به آنها میسر شود. نکته ویژه آن است که امروزه با توجه به اوج‌گیری برخی رقابت‌ها و تقابل‌های درون‌مذهبی و برون‌مذهبی در جهان اسلام، برخی از محققان به بازکاوی احادیث و روایات مندرج در اصول کافی رو آورده‌اند و از زاویه خاص خود آنها را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. برخی از این آثار نیز به زبان فارسی است که در آن میان برخی نیز به صورت رسمی چاپ و منتشر شده‌اند. هدف از این کارها هرچه باشد، بیش از هر چیز نشانه خوانده‌شدن کتاب کافی و تأثیر آن در میان افراد است. از این رو پیشنهاد می‌شود دستانداران این کتاب و منتقدان آن، با صفایی بیشتر و در فضایی فراخ‌تر به کندوکاو در این وادی بپردازند تا مبادا در میان صف‌کشی‌های خصمانه، حقی نادیده بماند یا امر قابل‌تقدی، مصون از نقد و دور از داوری قرار گیرد. البته نادیده نگیریم که این روش، بدعتی خاص روزگار ما نیست. علمای طراز اول و عامل ما در تمام تاریخ این علم (حدیث و علوم آن) این گونه بوده‌اند و در ضمن صلابت نسبت به عقاید و باورهای خود، از شنیدن سخنان مخالف، ولو ناروا و نادرست، ابایی نداشتند و به فرمان قرآن به «استماع» آنها می‌پرداختند.

پی‌نوشت:

۱. در باره زندگی و اخبار مربوط به وی رک: ابن حجر العسقلانی: لسان المیزان، ج ۵ ص ۴۳۳، شماره

١٤١٩.

ابن داوود: الرجال، ص ٣٤١.

ابن شهر آشوب: معالم العلماء، ص ٨٨.

احمد بن علي النجاشي: الرجال، ص ٢٦٦.

بروكلمان: تاريخ الادب العربي.

دائرة المعارف الاعلمي، ج ٢٧ ص ١٤٤.

زركلي، خير الدين: الاعلام.

زكي الدين عناية الله القهستاني: مجمع الرجال، ج ٦ ص ٧٣.

سمعاني، عبدالكريم: الانساب.

سيد محسن الامين: اعيان الشيعة، ج ٤٧ ص ١٥٢، شماره

١٠٨٥١.

سيد محمد مهدي بن الحسن الحسيني القزويني الحلبي النجفي:

فلك النجاة في احكام الهداة، ص ٣٣٧.

سيد محمد مهدي بن السيد مرتضى الطباطبائي البروجردي،

ج ٣ ص ٣٢٥.

شيخ آغا بزرگ الطهراني: الذريعة الى تصانيف الشيعة، ج ٣

ص ١٨٤، ج ٤ ص ٢٠٨، ج ٦ ص ١٧٩ - ١٩٤، ج ٨

ص ٧٩، ج ١٠ ص ١٠٣، ٢١٨، ٢٣٩، ج ١٣ ص ٩٤

- ١٠٠، ج ١٤ ص ٢٦ - ٢٨، ج ١٧ ص ٢٤٥.

شيخ ابي جعفر الطوسي: الفهرست، ص ١٣٥.

شيخ عباس القمي: الكنى و الالقاب، ج ٣ ص ١٢٠.

عباس بن محمدرضا القمي: سفينة البحار، ج ٢، ص ٤٩٤.

علامه تستري: قاموس الرجال، ج ٨ ص ٣٦٤.

علامه حسن بن يوسف الحلبي: خلاصة الاقوال، ص ١٤٥.

علامه خوانساري: روضات الجنات، ج ٦ ص ١٠٨، شماره

٥٤٨.

علامه محمد بن علي الاردبيلي القزويني الحائري: جامع

الرواة، ج ٢ ص ٢١٨.

مامقاني، شيخ عبدالله: تنقيح المقال، ج ٣ ص ١٧٩.

محمد بن اسماعيل الحائري: منتهي المقال، ص ٢٩٨.

محمد مهدي الكاظمي الموسوي الاصفهاني: احسن الوديعه

في تراجم اشهر مشاهير مجتهدى الشيعة، ج ٢ ص ٢٢٦.

مدرس التبريزي: ربحانة الادب، ج ٣، ص ٣٧٩، شماره

٥٨٧.

نورالله شوشترى: مجالس المؤمنين، ج ١ ص ٤٤٢

نورى الطبرسى: مستدرک الوسائل، ج ٣ ص ٥٢٦ و ...

٢. الذريعة الى تصانيف الشيعة، ج ١٧، ص ٢٤٥، شماره

٩٦.

٣. الذريعة، ج ١٧، ص ٢٤٥، شماره ٩٦.

٤. تاريخ الادب العربي، ج ٣، ص ٣٣٩.